

تاملی بر یک‌اسند به مناسبت حمله رضاخان به مسجد گوهرشاد

۵ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۲۹

عقیده ما آن نیست که مانند بعضی از فرنگی‌ها بیرون برویم آیا پیغمبر نفرموده‌اند که گردی صورت‌او دست و پا آزاد است یعنی حجاب لازم ندارد. ما نمی‌خواهیم که از حجاب بیرون بیاییم، ولی می‌خواهیم حجابمان آسانتر بشود. آیا می‌دانید که ضرر عمده چنین حجاب چیست؟

سند شماره: ۱۵۴

تاریخ سند: ۱۳۰۶/۴/۸ ش

مقام مقدس ریاست مجلس شورای ملی دامت‌اعظمته

به شرف عرض عالی می‌رساند، دیروز گذشته از بازار می‌گذشتیم بیچاره زنی را دیدم که با آژان بی‌ارحمی به طرف نظمیه روان بود. پس از تحقیق فهمیدم که آن زن بیچاره در وقت خرید، پارچه پیچه‌خود را برداشته بود که بهتر ببیند، از این جهت آژان بی‌رحم، شرف چنین زن نجیب را برده و برای این‌که در راه از او مقداری پول بگیرد، او را به طرف نظمیه می‌برد. تا چند تا به کی باید نسوان ایرانی در عذاب و شکنجه مردان باشند. شما چه خیال می‌کنید چرا نسوان ایرانی ترقی نمی‌کنند آیا همین چادر و پیچه نیست که باعث ذلت آنهاست؟ آیا شما خیال می‌کنید که نسوان ایرانی می‌خواهند به قول حضرت‌المحمد رفتار نکنند، حاشا چنین نیست. حضرت‌الپیغمبر، یعنی حضرت محمد(ع) فرموده که نسوان بایستی حجاب داشته باشند. آیا اسم چادر و پیچه اِبادا در قرآن نوشته شده؟ آن وقت که حضرت پیغمبر فرموده که زنان بایستی حجاب داشته باشند، نسوان عرب لخت بودند، از این جهت حضرت محمد حجاب‌آرا برای نسوان واجب نمود. الان نسوان ایرانی نمی‌خواهند که بی‌حجاب باشند، ولی از سختی‌چادر و پیچه در ذلت می‌باشند چون‌که در هر دو دستشان اسیر چادر و پیچه است. زنان ایرانی می‌خواهند حجاب داشته باشند، ولی نه چنین سخت‌ممکن است اگر به خیاط‌ها رجوع کنیم، حجاب دیگر مد کنند که از چادر و پیچه بهتر و انسان را پوشیده‌تر نماید، اما دستمان اسیر چادر و پیچه نباشد. فقط عقیده ما نسبت به آزادی همان آزادی دو دستمان است و بس. ۱.

عقیده ما آن نیست که مانند بعضی از فرنگی‌ها بیرون برویم آیا پیغمبر نفرموده‌اند که گردی صورت‌او دست و پا آزاد است یعنی حجاب لازم ندارد. ما نمی‌خواهیم که از حجاب بیرون بیاییم، ولی می‌خواهیم حجابمان آسانتر بشود. آیا می‌دانید که ضرر عمده چنین حجاب چیست؟ بلی زنان آنانجیب... و بعضی از فرنگی‌های نانجیب برای این‌که کسی ایشان را نشناسد، الان در چادر هستند و به واسطه کارهای بد که می‌کنند، اسم نسوان ایرانی را خراب می‌کنند و همه خیال می‌کنند که آن‌ان‌سوان ایرانی هستند. شما ببینید نسوان هر مملکتی که چنین حجاب یعنی چادر و پیچه ندارند، باعث ترقی دادن مملکت خود شده‌اند. چقدر زنان در ادارات مانند مردان کار می‌کنند، آیا با چادر و پیچه ممکن است؟ خیر، چون‌که دست ما اسیر چادر است. نمی‌توانیم کار دیگر بکنیم. فقط درخواست ما این

است که حجاب ما را آسانتر کنید من یقین دارم اگر این حجاب را عوض کنیم به یک شغل که تا می‌آید باشد و چیز دیگری که سر و روی ما را بپوشاند، خیلی محفوظتر خواهیم بود. بنده دیروز که آن زن بیچاره را دیدم از دلسوزی تمام شب در فکر او بودم. از این جهت در خواب شخصی را دیدم که مرا مجبور کرد این چند کلمه را به عرض برسانم و همچنین از حضرت عالی درخواست کنم که جواب این کاغذ را در روزنامه چاپ بفرمایید. اقبال عالی پاینده باد.

(در حاشیه)

ضبط شود

(پشت سند)

خواهشمند است در مجلس شورای ملی در این خصوص مذاکره نمایند.

(پشت پاکت)

طهران

مقام منیع ریاست مجلس مقدس

شورای ملی دامت عظمته^۲

زن مظهر احساس و عواطف و موجب آرامش و تعادل جامعه است^۳. نظام خلقت و عرف تمامی جوامع و باور بشر بر آن است که زن جسم خود را جز بر همسر خود عرضه نکند، لذا زن در برابر دیگران برای خود پوششی اختیار میکند و این پوشش به تناسب رسوم، سنتها و اعتقادات هر جامعه، متغیر است. در کشور ما نیز فرهنگ پوشش در میان عشایر، روستاییان و بانوان شهر، پادشاهی مسلمان، زرتشتی، مسیحی و یهودی از قرن‌ها پیش بر اساس حفظ حجاب و پوشیدن لباسهای بلند بوده و هیچ تصویر تاریخی از برهنگی زن ایرانی وجود ندارد. تا قبل از حکومت ناصر الدین شاه، سنتهایی که برآمده از فرهنگ اعتقادی و ملی بود، بر حفظ حجاب تاکید داشت و حتی یک نمونه از زن سر برهنه حتی در میان درباریان دیده نمیشود. پوشش بومی ایرانیان تا زمان قاجار، لباسهایی با تنوع رنگهای شاد و روشن و زنان با لباسهای بلند و چارقد های بزرگ که سر و سینه را میپوشاند و بعضا چادرهای رنگی و گلدار برگرفته از موقعیتهای اقلیمی و قومی هر ناحیه از ایران بود و این پوشش اکثر قریب به اتفاق بانوان ایرانی که از مردم عوام و کم‌سواد جامعه محسوب میشدند، بود و با همین پوشش در کارهای کشاورزی و دامداری پابه‌پای مرد مشارکت داشتند. در این میان، حجاب بخش کوچکی از زنان که از زمره بانوان باسواد جامعه بودند و در سلک خانواده‌های وابسته به حکومت مرکزی و خانواده‌های حاکمان محلی و زنان وابسته به خانواده روحانیت و اشراف محسوب میشدند، چادر مشکی و نقاب بود، و اتفاقاً از درون هماینان نیاز به حضور آزادتر زنان در عرصه‌های اجتماعی و داشتن پوششی سبک و راحت‌تر برای تسهیل در ورود به ساختار اجرائی و فرهنگی کشور احساس میشد این تحول در بانوان ایرانی و میل آنان به دگرگونی بعد از انقلاب صنعتی در غرب و پیامدهای آن به وجود آمد. تا قبل از انقلاب صنعتی که چرخ اقتصادی جوامع بر اساس کشاورزی و اداره حکومت بر مبنای نظام ملوک الطوائفی بود و در آن دوران حمله اقوام به یکدیگر برای غارت و گرفتن غنیمت بسیار رواج داشت و زنان نیز جزو اموال محسوب میشدند^۴، هر قومی هم خود را بر حفظ و پوشیده داشتن هرچه بیشتر زنان از دستبرد دشمنان و پنهان کردن آنها مصروف میداشت. بعد از انقلاب صنعتی که با کشف نیروی بخار چرخهای کارخانه‌ها، کشتیها و قطارها به حرکت درآمد و با کشف نفت به اوج خود رسید، چرخه اقتصادی از زراعت به صنعت و از نظام ملوک الطوائفی به نظامهای مدنی تغییر پیدا کرد و تامین معیشت از طریق غارت و غنیمت از بین رفت^۵، امنیت اجتماعی به حدی رسید که زنان میتوانستند با آرامش بیشتری نسبت به گذشته وارد اجتماع

شوند. در این برهه از یکسو زنان که قرن‌ها به دلیل موانع مذکور از حضور در عرصه‌های مختلف محروم بودند، فرصت را غنیمت شمرده وارد صحنه شدند. از سویی دیگر صاحبان صنایع نیز که به دنبال نیروی کار ارزانتر و مطیع‌تر بودند، زمینه این ورود را تسهیل کردند. گرچه این امر تا حدی منجر به آن شد که از زن به عنوان ابزار جنسی و تبلیغی بهره‌گشتی شود، اما در مجموع تحولی مهم برای زنان این نمیه پنهان جمعیت بشری بود تا اعتماد به نفس خود را باز یابند و علاوه بر وظیفه خانهداری و تقابل با تبعیضات دیگر خود را بروز دهند و حضور مؤثرتری در جامعه داشته باشند. سند فوق نامه یک زن ایرانی به مجلس شورای ملی در ۷۴ سال پیش استدر آن سال (۱۳۰۶ ش) نظامیان رضا شاه بنا به درخواست مردم ایران و روحانیون که خواهان رعایت حجاب از سوی بانوان سفرای خارجی و اقلیت‌های مذهبی بودند، به زنانی که رعایت حجاب را نمی‌کردند سخت می‌گرفتند و در این میان حتی زنان محجبه‌ای که نقاب از روی بر می‌داشتند، از دست آنها در امان نبودند و نظامیان برای باج‌گیری به آنان آزار می‌رساندند. تاریخ وصول این نامه به مجلس (۱۳۰۶) درست هشت سال پیش از اعلام رسمی قانون کشف حجاب (۱۳۱۴) از سوی رضا شاه با پیامدهای منفی آن چون کشتار مردم در مسجد گوهرشاد و ناهنجاری‌های فراوان فرهنگی اقتصادی است. این نامه در بردارنده مطالب قابل توجهی است:

- ۱ - پذیرش اصل مسئله حجاب و پوشش مورد نظر اسلام.
 - ۲ - اعلام نارضایتی از حجاب آن دوره (چادر و پیچه) که قدرت تحرک را از زن سلب می‌کرد.
 - ۳ - اشاره به حضور فعال زنان فرنگی در صحنه‌های اجتماعی و در نتیجه پیشرفت جوامع غربی.
 - ۴ - عقب‌ماندگی ایرانیان به دلیل عدم حضور زنان در عرصه اجتماع.
 - ۵ - جان کلام و مهمترین پیشنهاد مطرح شده در این نامه ارائه الگویی مناسب و مورد قبول اسلام در زمینه حجاب بود که حضور زن را نیز تسهیل می‌کرد. این الگو بیشتر شبیه پوششی است که مورد استفاده بانوان امروزی است و شهید مطهری در کتاب حجاب خود آن مطرح کرده است. از این نامه بسیار جالب و تاریخی مطالب مهمی استنباط می‌شود:
- ۱- اگر به پیشنهاد این بانو از سوی نمایندگان و هیأت رئیسه مجلس و دیگر نخبگان وقت ترتیب اثر داده می‌شد، و کمی انعطاف از سوی متدینین و حاکمان در پذیرفتن این حجاب برای برخی بانوان مایل به حضور در اجتماع نشان داده می‌شد، دیگر لزومی به تن دادن و تحمل سیاست استعماری کشف حجاب با آن طرز وقیح و اجبار و آن همه پیامدهای منفی نبود و حتی استعمار انگلیس و رضا خان که به بهانه مدنیت و پیشرفت این قوانین را بر جامعه ما تحمیل کردند، بهانه‌های برای اعمال آن نمی‌داشتند و ابتکار عمل همواره در دست مردم معلما و نخبگان باقی می‌ماند.
 - ۲- نخبگان جامعه بیشتر اوقات از درک واقعیت‌ها و حل معضلات عاجزند و یا گاهی به ادفع الوقت می‌گذرانند و یا گاهی...
 - ۳- پیشنهاد این زن گمنام از مردم عادی جامعه ما را به باور می‌رساند که گاهی ایده‌های مهم و بکری به ذهن مردم عادی خطور می‌کند و پیشنهادهایی برای حل معضلات ارائه می‌دهند که حتی نخبگان جامعه بدان نرسیده‌اند.
 - ۴- حکومت مرکزی باید در ساختار حکومتی فرایندی ایجاد کند تا این ایده‌های و پیشنهادهای منطقی و مهم که از سطوح پایین و متوسط جامعه برای اصلاح امور ارائه می‌شود، به سطوح بالا برسد و آنان این راهبردها را در عمل به کار گیرند.
 - ۵- جا ماندن حاکمان و غفلت آنان از درک پدیده‌های اجتماعی سیاسی فرهنگی و عدم ارائه الگوی مناسب در برخورد با این پدیده‌ها، کشور را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که منجر به پذیرش الگوهایی شویم که با فرهنگ و اعتقادات مردم هیچ‌ساختی ندارد، بلکه سم مهلکی برای آن است.

۶- مقولاتی همچون هنر، موسیقی، ورزش، آزادی‌نیاز جوانان به داشتن ارتباطی شرعی و سالم که بیشتر در نیاز به گفتگو و دیالوگ متجلی می‌شود، از جمله مواردی هستند که ما نمی‌توانیم چوب نفی کامل به همه اینها بزنیم بلکه باید با بررسی کامل این پدیده‌ها و پیدا کردن الگوی مناسب با فرهنگ و اعتقادات مردم ایرانراهی کم‌خطر و حداقلی‌دست‌کم برای آن دسته از جوانان خواهان‌ارائه دهیم (ضمن این‌که باید الگوهای قوی‌تری نیز برای طبقه معتقدتر جامعه ارائه دهیم) تا مجبور به تن دادن به کجتابی‌ها و عصیان‌های اجتماعی نشویم و مهر تأییدی بر این سخن بزنیم که «اسلام در هر شرایطی قادر به اراده حکومت مطابق با فطرت انسانی است»

هدایت یک جامعه چه به سوی تمدن و چه به سوی معنویت‌نیازی به زور و فشار ندارد، بلکه به دلیل سازگاری و هماهنگی این دو مقوله با طبیعت و فطرت انسان‌بدون هیچ اجباری و تنها در پرتو مدیریت علمیت‌وأم با شعور سیاسی و آزاد کردن جامعه از زیر فشارهای روزمره به سرعت قابل حصول است.

توسعه اجتماعی و بسط تمدن‌راه‌وروش تجربه شده را طلب می‌کند که در رأس آن عدم وابستگی سیاسی اقتصادی و خصوصا فرهنگی جامعه است و این امر مستلزم آن است که راهبردهای هدایت جامعه و الگوهای مدیریتی از درون تمدن فرهنگ و اعتقادات آن جامعه اتخاذ و به کار گرفته شود.

۱- متن : بست

۲- ر. ک. اسناد روحانیت و مجلس کتابخانه، آموزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به کوشش منصوره تدین‌پور ج ۴، ص ۲۷۹، ۱۳۷۹.

۳- قرآن کریم : "لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا"؛ "بهن لباس لکم"

۴- البته از نگاه ادیان الهی خصوصا اسلام‌زن جایگاه ارزشمندی دارد مانند حضرت مریم و حضرت فاطمه (ع)، اما عملا در تاریخ زن جایگاهی متنزلی داشت.

۵- البته در این مرحله از تاریخ شکل جدیدی از استعمار پا به عرصه نهاد که به ظاهر خشن نبود.

کاظم آل رضا امیری کارشناس روابط عمومی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۱۵۲۰/یک-تاملی-مناسب-سند-رضاخان-جمله-مناسب-سند-یک-تاملی>